



در زمان آقای عادلی تحت

عنوان زیبای استقلال

بانک مرکزی، انتخاب

رئیس کل بانک مرکزی

از یک مسئول اقتصادی

منتزع و برعهده رئیس قوه

مجریه گذاشته شد. این کار

اشتباه مسلم بود، زیرا که

تحت لوای استقلال بانک

مرکزی وابستگی به دولت

را بیشتر کرد

می دانستم اگر وزیر اقتصاد آقای هاشمی شوم، باید سیاست هایی را اجرا کنم که به آنها نقد دارم و اصولاً تصدی مسئولیت ها جای ماجراجویی و تضاد و کشمکش نیست. به نظرم باید به چرخش های مدیریتی احترام گذاشت و اجازه داد دیدگاه ها در عمل خود را محک بزنند. اگر شفافیت باشد مردم و نخبگان خود قضاوت کنندگان خوبی هستند.

● بعد از اینکه نوری بخش وزیر اقتصاد شد، از شما کمک نخواست؟ من در جایی خواندم تودیع و معارفه برای شما و آقای نوری بخش برگزار نشد.

از آنجا که من وزیر بودم باید تا زمانی که وی روی کار بیاید در وزارت اقتصاد می ماندم تا وزارتخانه را به وزیر بعدی تحویل دهم. عصر همان روزی که دکتر نوری بخش از مجلس رأی اعتماد گرفت با وی تماس گرفتم. بعد از احوالپرسی، سمت جدیدش در پست وزارت اقتصاد را تبریک گفتم و از وی خواهش کردم بعد از مجلس، وزارتخانه را به وی تحویل دهم. وی گفت: عجله ای برای این کار ندارم. به وی گفتم: از چندی پیش برای سفر به سوریه در تور زیارتی ثبت نام کرده بودم؛ به همین دلیل فردا به اتفاق خانواده برای زیارت عازم دمشق هستم. می خواهم سفر را از دست ندهم. حتماً امروز بیا تا شما را در جریان فعالیت ها، شرایط و اقدامات چند ساله وزارتخانه قرار دهم. بعد از اصرار من، وی پذیرفت و همان بعد از ظهر به وزارت اقتصاد آمد. من همیشه مسئولیت را بار سنگینی روی شانه هایم می دیدم. صادقانه به وی گفتم: دعا می کنم در دوران مسئولیت از من موفق تر باشید و توفیق بیشتری برای خدمت به مردم پیدا کنید. موفقیت بیشتر شما، بهبود وضع اقتصادی کشور، رفاه بیشتر مردم و موفقیت برای نظام جمهوری اسلامی است، بنابراین من از موفقیت شما خیلی خوشحال هم می شوم.

سپس اطلاعات و اهم فعالیت هایی که در ۴ سال وزارتتم در وزارت اقتصاد انجام داده بودم، همه را مستند و مکتوب کردم و در کتابی تهیه و به وی تحویل دادم. به وی گفتم: روند همه برنامه ها و اقدامات، مکتوب شده و با این کار به راحتی می توانید در جریان چگونگی کارهای انجام یافته یا در دست برنامه و اقدام قرار بگیرید و دیگر نیازی به رجوع به دیگران نیست. به نظرم تعویض مسئولیت مانند مسابقه دو امدادی است که افراد باید بعد از اتمام کار خودشان، کارنامه شان را به دست فرد جدید و تازه نفس بدهند. موقعی که به وزارت اقتصاد آمدم چیزی به دست من ندادند و مرتباً راجع به موضوعات محوری درخواست تهیه گزارش داشتم، لذا خلأ آن را به خوبی درک می کردم. البته در طول زندگی کاری ام یکی از کارهای مستند سازی فعالیت هاست که نقش مهمی در ایفای مسئولیت توسط مدیران بعدی دارد. بنابراین عدم برگزاری تودیع و معارفه به درخواست خود من و به دلیل از دست ندادن مسافرت زیارتی بود و وقتی برگشتم دیگر زمان تودیع و معارفه که در قدیم به فوریت هم انجام می شد، گذشته بود.

● فکر نمی کنید در صورتی که توسط رئیس جمهور وقت به عنوان وزیر اقتصاد انتخاب می شدید و به دولت آقای هاشمی ورود پیدا می کردید از همان روزهای ابتدایی اختلافات با وی آغاز می شد. آنها می خواستند سیاست تعدیل را آغاز کنند.

بله، خود من چنین عقیده ای داشتم که اگر وزیر دولت آقای هاشمی بشوم، با مشکلات عدیده ای مواجه می شوم. در مجلس خیلی ها به من می گفتند ابروانی باید وزیر شود. البته خودم

● وقتی دکتر نوری بخش به وزارت رسید، قائم مقام و معاونت های شما را تغییر داد؟

نوری بخش معاون کل وزارتخانه یعنی علی ماجدی را تغییر داد و به جایش محمد جواد وهاجی را جانشین وی کرد. من نیز در دولت جدید قائم مقام وزیر جهاد سازندگی شدم. یادم هست در جلساتی که حضور داشتم اگر مباحث اقتصادی مطرح می شد به صورت فعال اظهار نظر کرده و از وزارت اقتصاد یعنی دیدگاه اقتصاد کلان و آقای نوری بخش دفاع می کردم. حتی



عکس: علی محمدی / ایران

وی مشکلی نداشتم. این را هم بگویم ما اگر مشکلی در زمان مسئولیت با هم داشتم، مشکلات مان کاری بود و اختلافات شخصی نداشتم.

● من درباره اختلافات شما با مرحوم نوری بخش از منابع مختلف، مطالب زیادی شنیده ام. حتی شنیده ام قرار بوده بعد از اتمام دوران نخست وزیری میرحسین، شما در کابینه آقای هاشمی رفسنجانی هم حضور داشته باشید، اما رایزنی های آقای نوری بخش مانع از آن شد.

با بازنگری در قانون اساسی پست نخست وزیر منحل شد و زمانی که آقای هاشمی رفسنجانی رئیس جمهور شد، با اینکه در رایزنی با کمیسیون اقتصاد مجلس همه اعضای کمیسیون اقتصادی مجلس به جز یک نفر موافق انتخاب مجدد بنده بودند با این حال آقای هاشمی، مرحوم نوری بخش را به عنوان وزیر اقتصاد معرفی کرد و این حق مسلم رئیس جمهور بود و من

بی انضباطی پولی با بانکداری مرکزی است، یعنی باید همه بانک ها اعز تخصصی و تجاری دولتی و خصوصی را نظارت، منضبط و به خط کند.

لذا نه تنها باید با سیستم های نظارتی بستر هرگونه تخلفات را جمع کند بلکه جلوی هرگونه تخلف جاری را هم بگیرد تا گردش صحیح پولی و اعتباری در مجاری خود مطابق قانون و مقررات و ضوابط مطمئن، تعیین شود. پس یک بانکدار تجاری خوب لزوماً نمی تواند یک بانکدار مرکزی خوب باشد و یک بانکدار مرکزی هم الزاماً نمی تواند در بانکداری تجاری موفق باشد. از آنجا که وی از خانواده بانک

مرکزی و مسلط به تئوری های پولی بود، توانست بسیاری از چالش های پولی را در آن برهه رفع کند. بدیهی است مهم ترین چالش در آن زمان کاهش شدید درآمدهای ارزی بود. از طرفی نیز به ناچار بودجه زمان جنگ انبساطی بسته می شد، ولی قاسمی به عنوان مقام پولی در جلسات رسیدگی به بودجه سالانه در مجلس همواره به عنوان مقام پولی نظر مخالف داشت و به وظیفه خود به عنوان بانک مرکزی عمل می کرد.

● محسن نوری بخش بعد از خروج از بانک مرکزی، بلافاصله با شرکت در انتخابات وارد مجلس می شود. زمانی که وی نماینده مجلس بود با هم مشکلی نداشتم؟

بعد از رفتن مرحوم نوری بخش از بانک مرکزی، انتخابات مجلس برگزار شد و وی تصمیم گرفت به مجلس برود و این اتفاق هم افتاد. وی به مجلس راه یافت و عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس هم شد و هیچ گاه با

نوشتر خود طوری وانمود کرده اند (و باز هم دست برنداشته اند) که اسلام طرفدار بی مرز و حد سرمایه داری و مالکیت است و با این شیوه که با فهم کج خویش از اسلام برداشت کرده اند، چهره نورانی اسلام را پوشانیده و راه را برای مغرضان و دشمنان اسلام باز کرده اند که به اسلام بتازند و آن را رژیم چون رژیم سرمایه داری غرب مانند رژیم امریکا وانگلاستان و دیگر چپاول گران غرب به حساب آورند و با اتکال به قول و فعل این نادانان یا غرض مندانه یا ابلهانه، بدون مراجعه به اسلام شناسان واقعی یا اسلام به معارضه برخاسته اند، همچنین نه رژیم مانند رژیم کمونیسم و مارکسیسم لنینیسم است که با مالکیت فردی مخالف و قائل به اشتراک می باشند با اختلاف زیادی که دوره های قدیم تاکنون حتی اشتراک در زن و همجنس بازی بوده و یک دیکتاتوری و استبداد کوبنده در برداشته... بلکه اسلام یک رژیم معتدل با شناخت مالکیت و احترام به آن به نحو محدود در پیدا شدن مالکیت و مصرف، که اگر بحق به آن عمل شود چرخ های اقتصاد سالم به راه می افتد و عدالت اجتماعی، که لازمه یک رژیم سالم است، تحقق می یابد.

در اینجا نیز یک دسته با کج فهمی ها و بی اطلاعی از اسلام و اقتصاد و اقتصاد سالم آن در طرف مقابل دسته اول قرار گرفته و گاهی با تمسک به بعضی آیات یا جملات نهج البلاغه، اسلام را موافق یا مکتب های انحرافی مارکس و امثال او معرفی کرده اند و توجه به سایر آیات و فقرات نهج البلاغه ننموده و سرخود، به فهم قاصر خود، بپا خاسته و «مذهب اشتراکی» را تعقیب می کنند. به مالکیت سرما به های مشروع با حدود اسلامی احترام گذارید و به ملت اطمینان دهید تا سرمایه ها و فعالیت های سازنده به کار افتد و به ثروتمندان و پولداران مشروع وصیت می کنم که ثروت های عادلانه خود را به کار اندازید و به فعالیت سازنده در مزارع و روستاها و کارخانه ها برخیزید که این خود عبادتی ارزشمند است... و همچنین در یک بیان بسیار روشن و واضح جهت گیری اقتصادی نظام را تبیین کرده اند:

چنانچه کراراً تذکر داده ام بی شک ملت و توسعه بخش های خصوصی جوشیده از طبقات محروم مردم همکاری با طبقات مختلف مردم با شکست مواجه خواهد شد. کشاندن امور به سوی مالکیت دولت و کنار گذاشتن ملت، بیماری مهلکی است که باید از آن احتراز شود و در این موضوع گزارش های مختلف می رسد و هیأت دولت موظف است این امر را به طور همگانی گزارش دهد و کیفیت عمل را در اختیار عموم گذارد و این امر را جدی تلقی کند و تذکر این نکته مهم است که دخالت دادن کسانی که در امور تجارت واردند، از بازاریان محرومیت کشیده و درد اسلام و انقلاب چشیده تا متخصصان وارد است. مسلمان و متعهد از امور ضروری است. دولت و این دوستان باید دقیقاً توجه کنند که آزادی بخش خصوصی به صورتی باشد تا هر چه بهتر بشود به نفع مردم محروم و مستضعف کار کرد؛ نه چون گذشته تعدادی از خدایی خیر در تمام امور تجاری و مالی مردم سلطه پیدا کنند.

یک بار دکتر کلانتری وزیر کشاورزی در دولت گفت: ابروانی فکرمی کنی هنوز وزیر اقتصاد هستی. برخی از مدیران وقت در جمهوری اسلامی، پس از سال ها دوری از مسئولیت، حالا وقتی در جایی می نشینند و خاطرات خود را نقل می کنند، حرف های عجیبی می زنند که شنیدن آنها از زبان کسانی که روزگاری در جمهوری اسلامی مسئول بودند، مقداری عجیب است. یکی از همین آدم های روزگار امروز ما، روغنی زنجانی رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی است. وی درباره مواضع و دیدگاه های اقتصادی مدیران جمهوری اسلامی نکات جالبی می گوید: قانون اساسی در شرایطی تدوین شد که نیروهای غیرمذهبی فعال بودند. همچنین آنها دارای دیدگاه های مشخصی در حوزه اقتصاد بودند، اما در طرف مقابل مردم و رهبران مذهبی هنوز نمی دانستند باید چه موضع اقتصادی داشته باشند.

با توجه به همسایگی ایران با شوروی طبیعی بود عده ای تحت فشار طبعی گروه های چپ قرار گیرند. اینها تنها قسمتی از حرف های او درباره تفکرات اقتصادی مدیران جمهوری اسلامی است. وی در جای دیگر می گوید: دو دسته مملکت را اداره می کردند، یکی روحانیون که آنها نیز دو دسته بودند: دسته ای طرفدار اقتصاد اسلامی و دسته ای طرفدار تفکرات چپ گرایانه و دومی تحصیل کرده های غربی که عموماً دارای تفکرات لیبرالی بودند. زنجانی ادامه می دهد: نظام سرمایه داری و نظام کمونیستی دارای مبانی تئوریک قوی هستند، اما نظام اقتصاد اسلامی مبنای منطق اقتصادی ندارد و ما دارای یک نظام اقتصادی ایده آلیستی هستیم. این مسأله را تمام اعضای دولت از جمله ابروانی، من و نوری بخش می دانستیم.

● در دهه ۶۰ تمام ادبیاتی که روشنفکران در حوزه ادبیات سیاست و اقتصاد ارائه می دادند در نقد نظام سرمایه داری و به نوعی دفاع از نظام سوسیالیستی بود که نظام طبقاتی را رد می کرد. در مورد این حرف ها توضیح یا نظری دارید؟

اولاً در پاسخ به این القائات نگاه اجمالی به نظرات و مواضع مدیران عالی نظام بویژه حضرت امام (ره) و رهبر معظم انقلاب مد ظله العالی که در آن زمان رئیس جمهور ایران بودند، نشان می دهد جهت گیری های بسیار روشن و واضحی درباره اقتصاد وجود داشته است. برای مثال حضرت امام (ره) در بیانات خود مکرراً بر زبندی اقتصاد اسلامی با مکاتب غرب و شرق را بیان کرده اند. علی الخصوص در وصیتنامه سیاسی الهی خود آورده اند که یکی از اموری که لازم به توصیه و تذکر است، آن است که اسلام نه با سرمایه داری ظالمانه و بی حساب و محروم کننده توده های تحت ستم و مظلوم موافق است، بلکه آن را به طور جدی در کتاب و سنت محکوم می کند و مخالف عدالت اجتماعی می داند گرچه بعضی کج فهمان بی اطلاع از رژیم حکومت اسلامی و از مسائل سیاسی حاکم در اسلام در گفتار و



با بازنگری در قانون

اساسی پست نخست

وزیر منحل شد و

زمانی که آقای هاشمی

رفسنجانی رئیس جمهور

شد، با اینکه در رایزنی

با کمیسیون اقتصاد

مجلس همه اعضای

کمیسیون اقتصادی

مجلس بجز یک نفر

موافق انتخاب مجدد

بنده بودند مع ذلک

آقای هاشمی، مرحوم

نوری بخش را به عنوان وزیر

اقتصاد معرفی کرد



تهیه گزارش های مکرر در وزارت اقتصاد



به نظرم تعویض مسئولیت مانند مسابقه دو امدادی است که افراد باید بعد از اتمام کار خودشان، کارنامه شان را به دست فرد جدید و تازه نفس بدهند. موقعی که به وزارت اقتصاد آمدم چیزی به دست من ندادند و مرتباً راجع به موضوعات محوری درخواست تهیه گزارش می کردم و لذا خلأ آن را به خوبی درک می کردم. البته در طول زندگی کاری ام یکی از کارهای مستند سازی فعالیت هاست که نقش مهمی در ایفای مسئولیت توسط مدیران بعدی دارد.



نظر امام و مقام معظم رهبری درباره اقتصاد

القائات نگاه اجمالی به نظرات و مواضع مدیران عالی نظام بویژه حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری مد ظله العالی که در آن زمان رئیس جمهور ایران بودند نشان می دهد جهت گیری های بسیار روشن و واضحی درباره اقتصاد وجود داشته است. برای مثال حضرت امام (ره) در بیانات خود مکرراً بر زبندی اقتصاد اسلامی با مکاتب غرب و شرق را بیان کرده اند، بخصوص در وصیت نامه سیاسی الهی خود آورده اند که یکی از اموری که لازم به توصیه و تذکر است، آن است که اسلام نه با سرمایه داری ظالمانه و بی حساب و محروم کننده توده های تحت ستم و مظلوم موافق است، بلکه آن را به طور جدی در کتاب و سنت محکوم می کند و مخالف عدالت اجتماعی می داند

